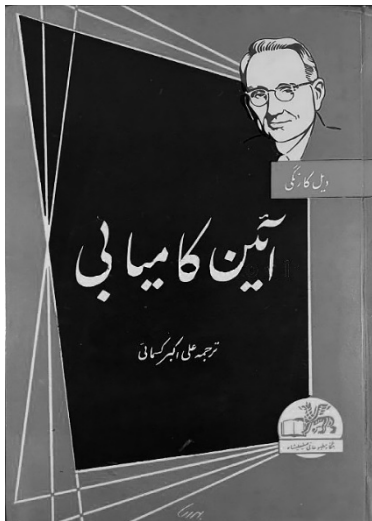


یادی از یک مترجم و ترجمه قدیمی

آیین کامیابی برنده اولین جایزه کتاب سال

سمیه دل‌زنده‌روی
دانشگاه ولی عصر رفسنجان (عج)



سابقه جایزه کتاب سال به قبل از انقلاب ۵۷ در دوره پهلوی دوم می‌رسد. این جایزه تحت عنوان «جایزه سلطنتی کتاب سال» از سال ۱۳۳۲ و با حمایت بنیاد پهلوی، بنیادی غیرانتفاعی و دولتی که نقش مهمی در فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی دربار داشت، به دستور محمدرضا شاه هر سال به برگزیدگان مسابقه شاهنشاهی بهترین کتاب اهدا می‌شد. زمان اهدای جوایز، نوروز هر سال اول فروردین‌ماه در مراسم سلام نوروز بود و شاه شخصاً جوایز را اهدا می‌کرد. آخرین دوره این جایزه نوروز ۵۷ بود. البته جایزه کتاب سال از سوی بنیاد غیردولتی انجمن کتاب نیز از

سال ۱۳۳۷ هر ساله به ده اثر برگزیده اهدا می‌شد (سپهر، فانی، حسینی‌جوادی ۷: ۱۳۹۵: ص ۴۳). در اولین دوره اهدای جایزه سلطنتی کتاب از میان ۱۱ اثر برگزیده شده، نام یک اثر ترجمه‌شده به چشم می‌خورد: آیین کامیابی، دیل کارنگی با ترجمه علی‌اکبر کسمایی. کتاب را نشر صفی‌علیشاه در ۱۳۳۲ منتشر کرده است.

اهمیت این ترجمه بی‌شک در کارکرد آن است. کتاب‌های متعلق به حوزه روان‌شناسی عمومی در چند دهه اخیر جزو پرفروش‌ترین ترجمه‌های بازار بوده است و کتاب آیین کامیابی را باید جزو ترجمه‌های پیشگام در این حوزه دانست. چاپ‌های متعدد این ترجمه نیز حاکی

از استقبال گسترده جامعه کتابخوان از این کتاب و از کتاب‌های این دست بوده است. طبق اطلاعات سایت کتابخانه ملی، آیین کامیابی تا سال ۱۳۴۹ به چاپ هفتم رسیده است. از تیراژ این کتاب در هر چاپ اطلاعی در دست نیست.

علی‌اکبر کسمایی (۱۲۹۹-۱۳۷۲) مترجم، نویسنده و روزنامه‌نگار بود. وی که تحصیلات تکمیلی خود را در رشته روزنامه‌نگاری گذرانده بود، نویسندگی را با کار در روزنامه‌ی «امید» آغاز کرد و مدتی سردبیر مجله‌های مختلف چون «صبا» و «وحید» بود و با روزنامه «اطلاعات» نزدیک به پنجاه سال همکاری کرد. کسمایی به زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و عربی مسلط بود و علاوه بر تألیفاتش تعدادی کتاب نیز ترجمه کرده است. از آثار وی که ترجمه کرده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: عشق بزرگان، (ترجمه و تألیف)؛ بالتازار؛ خدایان عشق اشک می‌ریزند؛ دنبال زن؛ روان‌شناسی در خدمت بشر؛ گنداب غرب؛ گورکن‌ها؛ مرد خون‌آشام؛ نیشخندهای آناتول فرانس؛ احوال و آثار فرانکلین (ترجمه و تألیف)؛ از چند نویسنده بزرگ دنیا (ترجمه و تألیف)؛ اسرار قلب شکسته؛ سرگذشت اسلام و سرنوشت انسان؛ پریچهرگان تاریخ (ترجمه و تألیف)؛ روان‌شناسی در خدمت بشر.

نگاهی به فعالیت‌های مطبوعاتی و رادیویی کسمایی و مقدمه وی در ترجمه کتاب آیین کامیابی، نشان می‌دهد او از جمله مترجمانی بوده است که دغدغه‌مند آگاهی‌بخشی و ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی مردم بوده است. همکاری وی در تهیه مطالبی درخصوص روان‌شناسی برای مطبوعات هفتگی همچون کاویان و همچنین برنامه رادیویی «روان‌شناسی برای مردم» در «رادیو تهران» گواه این نکته است. او خود در مقدمه آیین کامیابی معترف است از فواید مطالب روان‌شناسی در زندگی شخصی خود بسیار بهره برده است: (۱۳۳۲: ص ۶):

یکی از کوشش‌های من در کار با مطبوعات هفتگی و ماهانه همواره ترجمه و جمع‌آوری این قبیل مطالب مفید بوده است که در زندگانی خود همیشه از آن استفاده کرده‌ام و به جرئت می‌توانم بگویم اگر توفیق‌هایی در زندگی به دست آورده باشم، تا اندازه زیادی مرهون همین مطالعات هستم و از این رو بود که همیشه آرزو داشتم که مجموعه‌ای از آن را به شکل کتابی تدوین کنم تا شاید دیگران نیز از نتایج مفید آن برخوردار شوند.

علاوه بر این، عبارت «ترجمه و تألیف» که در تعدادی از ترجمه‌های وی به چشم می‌خورد روحیه پژوهشگری کسمایی را نشان می‌دهد و یادآور فعالیت مترجمان دارالترجمه ناصری است که به دستور محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درباره موضوعی تحقیق و از منابع مختلف مطالب مرتبط و مناسب را جمع‌آوری و ترجمه می‌کردند. آیین کامیابی نیز مشتمل بر مجموعه مقالاتی است که بخشی از آن به گفته خود مترجم خلاصه «گفتارهایی است که



از راست: شجاع‌الدین شفا، علی‌اکبر کسمایی، زین‌العابدین مؤتمن، ایروانی، ناشناس، ربیع مشفق همدانی، محمد حجازی، ذبیح‌الله صفا، ناشناس، ناشناس/ سمینار نویسندگان بهترین کتاب سال، فروردین ۱۳۳۴ - عکس از ایرنا

چندین سال در 'رادیو تهران' در برنامه «روان‌شناسی برای مردم» ایراد کرده است که خود مبتنی بر ترجمه از مقالات مختلف در حوزه روان‌شناسی عمومی بوده است. بخش دیگر کتاب نیز مقاله‌هایی از دیل کارنگی «و دیگر روان‌شناسان نامی جهان معاصر به‌عنوان روان‌شناسی در خدمت بشر» در مجله‌هایی چون کویان چاپ شده است. (۱۳۳۲: ص ۶)

بی‌تردید حرفه روزنامه‌نگاری و کار در رادیو که مستلزم برقراری ارتباط با خواننده/مخاطب و تأثیر بر وی است بر نثر ترجمه کسمایی مؤثر بوده است. بررسی و مقابله ترجمه وی در این کتاب نشان می‌دهد که کسمایی در کسوت مترجم کاملاً به کارکرد این نوع متون واقف بوده است. کسمایی خود این متون را «روان‌شناسی ساده و عملی» می‌خواند؛ به همین دلیل نثری را هم که در ترجمه این کتاب و مقالاتی از این دست در پی گرفته است نثری است ساده و روان که خواننده بتواند آن را به راحتی درک و بدان عمل کند. تغییراتی که در متن ایجاد کرده است از تغییر عنوان و حتی در برخی موارد تغییر اسامی خاص و تبدیل آنها به اسامی فارسی، حذف برخی جزئیات و تلاش در رساندن اهم مطلب بیانگر هدفی است که کسمایی به دنبال آن بوده است. کسمایی در مقدمه چاپ چهارم آیین کامیابی که بیش از بیست مقاله جدید به آن افزوده است، علاوه بر ارائه تعریفی از علم روان‌شناسی و قدمت پنجاه‌ساله آن در غرب، در خصوص استقبال خوانندگان می‌گوید:

در طی چهار سال، این چهارمین بار است که این کتاب در جامه تازه‌تری به دست شما

می‌رسد. دو سال پیش بعد از اصابت یکی از جایزه‌های بهترین کتاب سال ۱۳۳۲ به چاپ دوم «آئین کامیابی» چاپ سوم آن را شروع کردیم زیرا بلافاصله کمبود نسخه‌های چاپ دوم در مقابل تقاضای روزافزون خوانندگان احساس می‌شد. این بود که چاپ سوم آن به فاصله چند ماه منتشر گردید و اینک خوش‌وقتیم که چاپ چهارم آن را با تجدید نظر کامل و افزودن قریب بیست مقاله تازه به مطالب آن بدین‌گونه تقدیم خواستاران این کتاب می‌کنیم.

ناگفته نماند که رشید یاسمی در معرفی آثار دیل کارنگی در ایران فضل تقدم را دارد و کسمایی به این نکته در مقدمه خود اشاره می‌کند. یاسمی پیش از این در ۱۳۲۰ با ترجمه کتاب آیین دوست‌یابی این نویسنده را به ایرانیان معرفی کرد که تا بعد از انقلاب (تا سال ۱۳۸۵) نیز در انتشارات مختلف تجدید چاپ شده است.

آنچه مسلم است این است که نقش این اثر در آگاهی‌بخشی روان‌شناختی و استقبال خوانندگان از این کتاب در کنار نثر ساده و روان کسمایی در انتخاب این اثر به‌عنوان کتاب سال در اولین دوره جایزه سلطنتی کتاب تعیین‌کننده بوده است. اینک به ترجمه بخشی از این کتاب به قلم علی‌اکبر کسمایی نگاهی می‌اندازیم.

حماقت‌هایی که هر روز مرتکب می‌شویم!

در اطاق تحریر من محفظه مخصوصی است که از پانزده سال پیش چند پرونده حاوی یادداشت‌هایی از حماقت‌ها و اشتباهاتی که خود مرتکب شده‌ام در آن حفظ می‌شود: من اشتباهات و حماقت‌هایی را که مرتکب شده‌ام، روزانه در اوراق این پرونده یادداشت می‌کنم و با آنکه این یادداشت‌ها امروز مقدار کمی نیست ولی اعتراف می‌کنم که اگر من با خویشتن صدیق و امین بودم، تنها یک کشوی میز برای حفظ پرونده اشتباهات و حماقت‌های من کافی نبود.

حقیقت این است که هر وقت کارهای من درهم می‌پیچد، برای رهایی از آن راهی بهتر از رجوع به آن یادداشت‌ها پیدا نمی‌کنم زیرا با مطالعه انتقاداتی که درباره خود ذیل هر یک از آن خطاها و حماقت‌ها یادداشت کرده‌ام، به‌زودی برای حل پیچیده‌ترین مشکلاتی که با آن روبه‌رو هستم، در خود احساس قدرت می‌کنم زیرا با تعمق در نقاط ضعف خویشتن به‌خوبی پی می‌برم که خود را چگونه باید اداره کنم و از چه راه بر خود چیره شوم و جلوی زیاده‌روی‌های نفس اماره را بگیرم و مخصوصاً متوجه می‌شوم که باید مسئولیت هرگونه شکست را متوجه خود سازم نه دیگران. در این مورد همیشه به یاد این سخن «ناپلئون» می‌افتم که در جزیره «سنت هلن» گفت: «هیچ‌کس جز خودم، سبب سقوط و شکستم نبوده است. من یکی از بدترین دشمنان خود بودم و سبب این سرنوشت، خودم هستم.

مردی را می‌شناسم که امروز مدیر یکی از شرکت‌های آمریکایی است در صورتی که در آغاز کار، کارمند کوچکی در یک تجارت‌خانه بود. یک بار راز پیروزی او را پرسیدم، پاسخ داد: « از وقتی که زندگی اجتماعی خود را شروع کردم، عصر یکی از روزهای هفته را به دقت و مطالعه در طرز کار و رفتار خود تخصیص دادم و یادداشت‌هایی را که از خلاصهٔ گفت‌وگوهای خود با رؤسا و همکاران و دوستان نوشته بودم، از نظر می‌گذراندم و آنگاه از خود می‌پرسیدم که چه اشتباهاتی کرده‌ام و چگونه ممکن بود آن اشتباهات را نکنم و از این تجربه برای آینده چه استفاده می‌توانم ببرم. معتقدم این روش که چندین سال با کمال نظم و دقت پیروی کردم، بیش از هر اقدام دیگری برای تکامل و توسعهٔ معلومات و حسن رابطهٔ من با [...] یعنی پیروزی در زندگی، به حال مفید و مؤثر واقع شود.»

Chapter 22 - Fool Things I Have Done

I have a folder in my private filing cabinet marked "FTD"- short for "Fool Things I Have Done". I put in that folder written records of the fools things I have been guilty of. I sometimes dictate these memos to my secretary, but sometimes they are so personal, so stupid, that I am ashamed to dictate them, so I write them out in longhand. I can still recall some of the criticisms of Dale Carnegie that I put in my "FTD" folders fifteen years ago. If I had been utterly honest with myself, I would now have a filing cabinet bursting out at the seams with these "FTD" memos. I can truthfully repeat what King Saul said more than twenty centuries ago: "I have played the fool and have erred exceedingly."

When I get out my "FTD" folders and re-read the criticisms I have written of myself, they help me deal with the toughest problem I shall ever face: the management of Dale Carnegie.

I used to blame my troubles on other people; but as I have grown older-and wiser, I hope-I have realised that I myself, in the last analysis, am to blame for almost all my misfortunes. Lots of people have discovered that, as they grow older. "No one but myself," said Napoleon at St. Helena, "no one but myself can be blamed for my fall. I have been my own greatest enemy-the cause of my own disastrous fate."

Let me tell you about a man I know who was an artist when it

came to self-appraisal and self-management. His name was H. P. Howell. When the news of his sudden death in the drugstore of the Hotel Ambassador in New York was flashed across the nation on July 31, 1944, Wall Street was shocked, for he was a leader in American finance chairman of the board of the Commercial National Bank and Trust Company, 56 Wall Street, and a director of several large corporations. He grew up with little formal education, started out in life clerking in a country store, and later became credit manager for U.S. Steel- and was on his way to position and power.

منابع

- سپهر، فرشته؛ فانی، کامران؛ و حسینی جوادی، زهرا (۱۳۹۵). روند ارائه جوایز کتاب در ایران از آغاز تاکنون. مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۷ (۳)، ۴۱-۵۶.
- کارنگی، دیل (۱۳۳۲). آیین کامیابی، ترجمه علی اکبر کسمایی. تهران: صفی‌علیشاه.
- Carnegie, D. (1990). *How to stop worrying and start living*. New York: Pocket.